



تحلیل هیجانات خبری، دومینوی واشنگتن و اتفاقات دیپلماتیک در مورد برجام در گفت‌وگو با کارشناسان

سرگیجه آمریکایی



عبدالرحمن فتح‌اللهی؛ پس از ادعای روز پنجشنبه کاخ سفید در رد هرگونه تلاش پشت پرده‌ای از سوی دولت بایدن برای توافق با تهران و بعد از گزارش میدل‌ایست‌آی، نمایندگی ایران در سازمان ملل هم روز جمعه هرگونه توافق موقت با آمریکا را تکذیب کرد. در پی انتشار برخی گزارش‌ها مبنی بر نزدیک‌شدن ایران و آمریکا به توافق موقت، نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد اعلام کرد که «هیچ توافق موقتی به‌عنوان جایگزین برجام در دستور کار نیست». هر چند دو طرف (تهران و واشنگتن) اکنون تا حدودی دست به رد تلاش‌ها برای توافق احتمالی زده‌اند، اما همچنان اخباری درباره دیدارهای مقامات ایران و دولت بایدن در فضای رسانه‌ای منتشر می‌شود. همچنانی که پایگاه خبری آکسیوس در گزارشی به نقل از سه منبع آگاه مدعی شد مقامات ایران و آمریکا در ماه می(ماه گذشته میلادی) به‌طور غیرمستقیم با یکدیگر در عمان گفت‌وگو کرده‌اند.
به نوشته آکسیوس، این گفت‌وگوها که پیش از این گزارشی درباره آن منتشر نشده بود، اولین تعامل غیرمستقیم مشخص‌شده میان ایالات متحده و ایران از این طریق در چند ماه گذشته است. این گفت‌وگوها همچنین در بحبوحه نگرانی‌های فزاینده در کاخ سفید نسبت به پیشرفت‌های هسته‌ای ایران انجام شده است. آکسیوس هفته گذشته گزارش داده بود که برت مک گورک، هماهنگ‌کننده امور خاورمیانه در کاخ سفید، در تاریخ هشتم می به‌طور محرمانه به عمان سفر کرد تا با مقامات عمانی در مورد ارتباط دیپلماتیک احتمالی با ایران درخصوص برنامه هسته‌ای این کشور گفت‌وگو کند.
به گفته این منابع آگاه، مک گورک و مقامات ایرانی با یکدیگر ملاقات نکردند و دو طرف در مکان‌های جداگانه‌ای حضور داشتند و مقامات عمانی بین آنها رفت‌وآمد داشته و پیام‌هایی را ردوبدل می‌کرده‌اند. این منابع آگاه همچنین گفته‌اند که یکی از پیام‌های اصلی آمریکا در این گفت‌وگوها بر باززداندگی متمرکز بوده است و آنها به صراحت درباره غنی‌سازی اورانیوم در سطح ۹۰ درصد در ایران هشدار داده‌اند.
بنابر گزارش ادعایی آکسیوس، این منابع آگاه گفته‌اند هدف از تبادل غیرمستقیم پیام‌هایی بین دولت بایدن و ایران، دستیابی به یک تفاهم درباره راه‌های کاهش تنش درخصوص برنامه هسته‌ای ایران، سیاست ایران در منطقه و ادعای دخالت غیرمستقیم این کشور در جنگ اوکراین عنوان شده است. آکسیوس در ادامه افزوده که «دستیابی به چنین تفاهمی و تنش‌زدایی در منطقه می‌تواند بعدها به عنوان مبنایی برای مذاکرات آینده درمورد توافق هسته‌ای جدید بین طرفین مورد استفاده قرار گیرد. با این حال، هنوز مشخص نیست که آیا دو طرف به حصول این فهم مشترک نزدیک هستند یا خیر».

اعتراف نویتری!

در کنار آنچه آکسیوس درباره دیدار غیرمستقیم مقامات ایرانی و آمریکایی عنوان داشته است، مجتبی توانگر هم ضمن رد توافق قریب‌الوقوع، مذاکرات محرمانه تهران - واشنگتن در نیویورک را تأیید کرد. این نماینده مجلس در توییتی نوشت: «با وجود انجام مذاکراتی در نیویورک توافق قریب‌الوقوعی به دلیل کارشنکني آمریکا وجود ندارد. آمریکا در تلاش برای امتیازگیری هسته‌ای از ایران در ازای آزادسازی دارایی‌های بلوکه‌شده است که این امر خلاف قانون و مغایر منافع ایران است». عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی در ادامه توییتش تأکید داشت که «دولت آمریکا درصدد کشاندن ایران به مذاکرات مستقیم رسمی است». او با ورود به جزئیات، اعتقاد دارد که «دولت آمریکا حتی در زمینه مبادله زندانیان نیز جدی نبوده و آن را به غنی‌سازی مرتبط می‌کند». توانگر با ارائه تحلیلی، می‌گوید که «هدف از فضاسازی‌های رسانه‌ای در مقطع فعلی، شرطی‌سازی فضای اقتصادی و واردکردن شوک به بازار است». با اذعان تویتری نماینده مجلس شورای اسلامی، گزارش‌های منتشرشده توسط برخی رسانه‌ها صرفاً درخصوص مذاکره رابرت مالسی، نماینده ویژه آمریکا در امور ایران با امیرسعید ابروانی، سفیر ایران در سازمان ملل، در نیویورک تکرار می‌شود. هرچند پیش‌تر نیز ودانت باتل، معاون سخنگوی وزات امور خارجه به طور تلویحی و ضمنی به انجام این دیدارها و مذاکرات اعتراف کرده بود. البته رصد برخی اخبار دیگر مانند دیدار و رایزنی آنتونی بلینکن و فؤاد حسین وزیران امور خارجه آمریکا و عراق در حاشیه نشست وزیران اتلاف بین‌المللی موسوم به ضد داعش در ریاض بر سر تعیین تکلیف بدهی‌های بغداد به تهران در رابطه با خرید گاز و برق از ایران و چگونگی تعامل با تحریم‌های آمریکا علیه بانک‌های جهانی و بانک‌های عراقی هم می‌تواند مؤید این گزاره باشد که دولت بایدن نیم‌نگاهی به توافق بر سر مبادله زندانیان دوتابعیتی خود دارد.

چاره‌ای جز توافق نیست؟

قاسم محب‌علی در گپ‌وگفتش با «شرق» مجموعه‌های شرایط از اصرارها و انکارهای رسانه‌ها و مقامات تهران و واشنگتن تا وجود برخی شواهد و قرائن پیرامون مذاکرات پشت پرده را در بیک راستا ارزیابی می‌کند، چراکه به گفته مدیر کل خاورمیانه عربی و شمال آفریقا در وزارت امور خارجه، اکنون فضا برای تهران در جهت ازسرگیری مذاکرات به مراتب بهتر از شش‌ماهه دوم در سال ۱۴۰۱ است. ازاین‌رو سفیر اسبق ایران در مالزی و یونان اعتقاد دارد اتفاقاتی مانند گفت‌وگوی تلفنی ۹۰ دقیقه‌ای رئیس‌ی و مکرون می‌تواند تلاشی برای تاووم مسیر «تماس» و «دیپلماسی» باشد.

پیرو گفته قاسم محب‌علی، دیروز شنبه محمد جمشیدی، معاون سیاسی دفتر رئیس‌جمهور در توییتی نوشت که «امانول مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه با دکتر رئیس‌ی تماس گرفت و گفت‌وگویی ۹۰ دقیقه‌ای داشتند. مکرون تأکید کرد که به دنبال تعامل با جمهوری اسلامی ایران است. دو رئیس‌جمهور درباره پیشبرد روابط به‌خصوص مذاکرات رفع تحریم و تحولات منطقه‌ای رایزنی و درباره نحوه ادامه تعامل نیز توافق کردند». سپهر خلجی رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت سیزدهم نیز در توییتی مشابه نوشت: «مکرون رئیس‌جمهور فرانسه امروز قریب یک ساعت و نیم با آیت‌الله رئیسی گفت‌وگوی تلفنی داشت. تأکید بر تعامل با جمهوری اسلامی ایران با هدف پیشبرد روابط در موضوعات مختلف از جمله در زمینه رفع تحریم و تحولات منطقه‌ای و همچنین ضرورت ادامه تعامل از محورهای مهم این گفت‌وگوی طولانی بود». اما بررسی دقیق‌تر شرایط سیاسی و دیپلماتیک کنونی ایران و ایالات متحده،



محور گپ‌وگفت با قاسم محب‌علی است که از نظر می‌گذراند.

● **فضای کنونی که در نتیجه اصرار مداوم رسانه‌ها بر وجود مذاکرات پشت پرده بین تهران و واشنگتن و انکار مقامات ایرانی و آمریکایی شکل گرفته است تقریباً باعث شده فضای ابهام غالب باشد. ارزیابی شما از این وضعیت چیست؟ آیا می‌توان وجود مذاکرات را از اساس منکر شد؟**

من چنین اعتقادی ندارم و اتفاقاً این سناریو به هیچ وجه مطلوب ایران نیست. چون در شرایط کنونی باید مسیر مذاکره، تماس و دیپلماسی تحت هر شرایطی حفظ شود. البته به نظر من اکنون بیش از آنکه مذاکرات احتمالی پشت پرده بر سر پرونده‌های مختلف باشد روی موضوع تعیین تکلیف زندانیان دوتابعیتی یا تابعیت دیگر کشورهاست، کما اینکه در هفته‌های اخیر شاهد آزادی زندانیان فرانسوی، بلژیکی و ایرلندی بودیم و دولت بایدن هم تلاش دارد زندانیان دوتابعیتی ایرانی - آمریکایی خود را آزاد کند. پس این مذاکرات به نحو مطلوب و مورد نظر باید بین دو طرف پیش برود شاید بتواناد با اطمینان‌بخشی نسبی، یک فضای مثبت را برای مذاکرات جدید درخصوص پرونده هسته‌ای هم شکل دهد تا توافقی هم برای عدم تصاعد تنش حاصل شود.

● **فضا مهیم است و مذاکرات موقت هم رد شده است. در این شرایط چگونه باید سیاست‌های راهبردی را تعیین کرد؟**

اکنون شرایط کشور به‌خصوص در حوزه اقتصادی و معیشتی است که تعیین می‌کند ایران باید چه سیاست و راهکاری را در دیپلماسی در پیش بگیرد. طبیعی است که تهران برای حفظ توان جزانه‌ی و تقویت وزن خود در میز مذاکره اظهار نظرهای دیپلماتیک خود را دارد. من هم اعتقادی ندارم که اکنون بستر کامل برای مذاکرات بر سر پرونده هسته‌ای و همچنین توافق موقت وجود دارد. اما شرایط کنونی به نحوی است که نه ایالات متحده آمریکا و نه ایران قادر به ادامه آن نیستند. به همین دلیل برای عدم تصاعد تنش جا دارد که وضعیت در نقطه کنونی فریز و ثابت شود و این به اعتقاد شخصی من میسر نیست جز با یک توافق موقت. یعنی ایران در نقطه فعالیت هسته‌ای کنونی خود ثابت بماند و بیش از این جلو نرود و ایالات متحده آمریکا در کام نخست، اموال بلوکه‌شده ایران را آزاد کند. همان‌گونه که منابع خبری عنوان کرده‌اند، ایران اجازه دسترسی مستقیم به پول‌های بلوکه‌شده خود را ندارد، بلکه یک کشور ثالث می‌تواند این پول‌ها را برای خرید دارو و کالاهای اساسی برای ایران استفاده کند. البته این مذاکرات بعد از مذاکرات بر سر تعیین تکلیف زندانیان خواهد بود. باید دید که تکلیف آن مذاکرات به کجا خواهد رسید که مسیر بعدی را روشن می‌کند.

● **توقف در برابر توقف، سناریوی مدنظر شماست یا توقف در برابر گشایش؟**

توقف در برابر توقف.

● **چرا؟**

چون اکنون باید پذیرفت یک شرایط ویژه شکل گرفته که سابقه نداشته است. یعنی از یک طرف ایران دیگر تا کجا می‌خواهد فعالیت‌های هسته‌ای خود را گسترش دهد. اگر تهران بخواهد سطح سطحی سازی را از ۶۰ درصد بالاتر ببرد قطعاً با واکنش قاطع آژانس و شورای حکام روبه‌رو خواهد شد. از طرف دیگر آمریکا هم دیگر دایره تحریم‌ها را به قدری بالا برده است که این فشارها عملکرد و کارکرد خود را ندارند. چون اگر هدف آمریکا مهار ایران بود اکنون در نهایت تحریم می‌بند که تهران، هم در حوزه هسته‌ای، هم در حوزه نظامی، دفاعی موشکی و منطقه‌ای فعالیت‌های خود را گسترش داده است. پس آمریکا باید اذعان داشته باشد که تحریم اکنون دیگر کار نیست. البته من منکر وضعیت اقتصادی و معیشتی سخت نیستم. تحریم به سیستم بانکی، مالی، اقتصادی، معیشتی و سرمایه‌گذاری خارجی در کشور آسیب زده است؛ تحریم‌ها و تقابلهای حقوق بشری و

«شرق»، برجام را فاقد اعتبار برای دولت بایدن می‌داند. تحلیل و ارزیابی کامل این کارشناس مسائل آمریکا را در ادامه می‌خوانید.

● **جناب ابوالفتح ما اکنون شاهد اصرار مداوم رسانه‌ها درباره انجام مذاکراتی بین مقامات تهران و واشنگتن، چه در عمان و چه نیویورک هستیم. از آن سو هم برخی چهره‌ها در ایران و ایالات متحده به طور ضمنی بر وجود این مذاکرات اعتراف دارند؛ درحالی‌که هم‌زمان هرگونه مذاکره بر سر توافق موقت را نیز رد می‌کنند. این فضای کنگ و مهیم چگونه قابل ارزیابی است؟**

این فضا ناشی از نوسان در سیاست خارجی بایدن است. به نظر من دولت بایدن در حد فاصل بین بازگشت ایالات متحده آمریکا به توافق ۲۰۱۵ و دنیسای بدون برجام در نوسان است؛ چون از یک طرف بایدن دیگر حاضر به بازگشت به برجام ۲۰۱۵ نیست و از طرف دیگر نمی‌تواند مسئولیت و تبعات سیاسی، دیپلماتیک و امنیتی شکست رسمی مذاکرات را هم بپذیرد. به عبارت دقیق‌تر دولت بایدن به این بینش رسیده است که برجام دیگر نمی‌تواند انتظارات و خواسته‌های ایالات متحده آمریکا درباره پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ایران را برآورده کند. از طرف دیگر بایدن به دنبال توافق جدیدی است که در آن کمترین امتیاز و بیشترین استفاده را ببرد و هم‌زمان او نمی‌تواند این جرئت را داشته باشد که باب مذاکرات به بن‌بست رسیده کنونی را هم به طور کامل و رسمی ببندد. در این نوسان هیچ راهکار مشخص دیپلماتیکی هم وجود ندارد که بایدن را به این خواسته‌هایش با حفظ خطوط قرمز در آستانه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا برساند؛ بنابراین در چنین شرایطی بدیهی است که ما شاهد این ابهامات و تناقضات باشیم.

● **به همین دلیل است که سیاست نه توافق، نه بحران در دستور کار بایدن است؟**

من معتقدم موضوع فقط سیاست نه توافق، نه بحران نیست.

● **چطور؟**

چون در همان نوسان سیاسی که بایدن در آن گرفتار شده است، اکنون واشنگتن نمی‌داند چه راهکار مشخصی را در پیش بگیرد. کاخ سفید همچنان به دیپلماسی به‌عنوان تنها راهکار رسیدگی به پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ایران اعتقاد دارد و در مقابل هنوز به طور مشخص و مصداقی نمی‌داند چگونه این مذاکرات را انجام دهد؛ چراکه بایدن دیگر قائل به احیای برجام سال ۲۰۱۵ نیست؛ بلکه سعی دارد توافق جدیدی را با شرایط جدید به ایران تحمیل کند که فعلاً تهران هم حاضر به پذیرش آن نیست.

● **با این اوصاف شرایط را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

من معتقدم حداقل تا پایان سال ۲۰۲۳ همین وضعیت به صورت کج دار و مریز ادامه داشته باشد؛ یعنی نه مذاکرات به نتیجه می‌رسد و توافقی حاصل می‌شود و نه شکست رسمی مذاکرات هم اعلام می‌شود.

● **ولی نکته‌ای که ذهن را درگیر می‌کند، ادعاها و اصرارهای مکرر رسانه‌ای است. برخی معتقدند احتمالاً رسانه‌ها به اخباری رسیده بودند که این موارد را مطرح می‌کنند. اگر این‌گونه است؛ پس چرا ما شاهد تکذیبیه‌ها و رد این ادعاها هستیم؟**

اولاً که مذاکرات چه به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از همان سال ۹۹ و در واپسین ماه‌های دولت روحانی شکل گرفت و با شدت و ضعف هم در دولت رئیسی ادامه پیدا کرد. مثلاً آقای باقری‌کنی به صورت غیرمستقیم با رابرت مالی از طریق انریکه مورا در دوحه قطر گفت‌وگوهای خود را انجام داد؛ بنابراین انجام ملاقات‌ها و دیدارها، چه به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، جسته‌وگریخته وجود داشته است و چیز جدیدی نیست. دراین‌بین تنها شهرها و محل مذاکرات یا طرف‌های مذاکره‌کننده ایرانی و آمریکایی تفاوت می‌کنند؛ وگرنه به اصل این مذاکرات که شکی وجود ندارد، یک زمان سیدعباس عراقچی است، یک زمان علی باقری‌کنی یا سعید ابروانی. در آن سو گاهی جوزپ بورل یا گاهی هم انریکه مورا حضور دارند و گاهی نیز خود آمریکایی‌ها وارد عرصه می‌شوند و رابرت مالی، برت مک گورک، جیک سالیلوان و... را به میدان می‌فرستند؛ اما دراین‌میان نکته مهمی که باید مدنظر قرار دارد، این است که اکنون مسئله بر سر توافق موقت است؛ موضوعی که در این شرایط به‌هیچ‌عنوان مدنظر جمهوری اسلامی ایران نیست و به‌هیچ‌وجه آن را نمی‌پذیرد؛ کمالاتکه نماینده ایران در سازمان ملل هم بر این مسئله تأکید داشت. از طرف دیگر دولت بایدن هم توافق موقت را سناریوی ایدئالی برای تحقق منافع و برآورده‌کردن انتظاراتش نمی‌داند؛ چون در بهترین حالت، سناریوی توافق موقت می‌تواند توقف هسته‌ای ایران را در نقطه فعلی به دنبال داشته باشد و حتی آزادشدن پول‌های بلوکه‌شده وگرنه هم تهران و هم آمریکا هیچ‌گاه به سمت توافق موقت نمی‌روند.

● **در این وضعیت تصاعد تنش کم دستاوردی است؟**

عدم تصاعد تنش با چه هدفی؟! ببینید ما در وضعیتی قرار داریم که در یک سو آمریکا به دنبال یک توافق جدید با شرایط جدید است؛ چراکه توافق سال ۲۰۱۵ را دیگر برآورده‌کننده منافع و انتظاراتش در قبال ایران نمی‌داند. در آن سو ایران هم دیگر قائل به عقب‌نشینی از فعالیت‌های هسته‌ای خود نیست و حتی آزادشدن پول‌های بلوکه‌شده هم نمی‌تواند تهران را از نقطه کنونی هسته‌ای به عقب‌نشینی وادار کند؛ مگر اینکه تضمین جدی برای آزادشدن فضا در جهت فروش نفت و مناسبات مالی و بانکی ایجاد شود تا سرمایه‌گذاری خارجی در داخل کشور شکل بگیرد. قطعاً این دو خواسته از سوی دولت بایدن و طرف ایرانی با توافق موقت حاصل نمی‌شود. به قول شما توافق موقت در بهترین حالت فریزشدن شرایط در نقطه کنونی را به همراه دارد و نوعی عدم تصاعد تنش است؛ اما شرایط مطلوب هیچ‌کدام را محقق نمی‌کند. ما باید بپذیریم اساساً موضوع ایران و آمریکا و همچنین اختلافات دو طرف از پرونده فعالیت‌های هسته‌ای تا نفوذ منطقه‌ای، توان دفاعی و موشکی، موضوع زندانیان دوتابعیتی و حقوق بشر و... برای رسانه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای جذاب بوده است و سعی دارند همواره درباره آن دست به نشر مطالب بزنند؛ ولی باید این را هم خاطرنشان کرد که گاهی این جذابیت رسانه‌ای با شیطنتهایی نیز همراه می‌شود. برای مثال شاید در آینده شواهد و قرائن از حتمال ازسرگیری مذاکرات و توافق حکایت داشته باشد؛ اما همین رسانه‌ها از آکسیوس تا هالارتس، میدل‌ایست‌آی تا رویترز، فاینشئال‌تایمز و... برای خراب‌کردن فضای شکننده فعلی هم سعی دارند با انتشار این دست مطالب امید هرگونه گفت‌وگو و توافقی را از بین ببرند. چون این اطلاع‌رسانی پیشاپیش که گاهی هم با ملغمه‌ای از اطلاعات درست و غلط همراه است، سبب می‌شود مقامات دو طرف ایرانی و آمریکایی دست به واکنش بزنند و همین واکنش‌ها، فضای امیدمبشینی را که با میانجیگری برخی کشورهای منطقه و فرامنطقه ایجاد شده است، عملاً از بین برد.

از طرف دیگر اکنون دولت بایدن به‌شدت تحت فشار است که در مقابل ایران نمی‌تواند هیچ کاری انجام بدهد؛ آن‌هم در شرایطی که جریان ضد ایرانی اعتقاد دارد تهران، هم فعالیت‌های هسته‌ای و هم فعالیت‌های موشکی، پهپادی، نظامی و منطقه‌ای خود را به شکل چشمگیری افزایش داده است. در کنار آن فضای ضد ایرانی بعد از مرگ مهسا امینی هم در آمریکا به‌شدت تشدید پیدا کرده است و مرتباً دولت بایدن مورد حمله و انتقاد قرار می‌گیرد که سبب‌آور مداخلات و اشغال فضا در برابر تهران به‌هیچ‌وجه قابل پذیرش و قابل دفاع نیست؛ بنابراین در چنین وضعیتی بایدن در نوسانی که قبلاً کفتم گرفتار است. حالا اگر یک شانس ناچیز را برای گشایش در نظر بگیریم، این رسانه‌ها مانند آکسیوس، هالرتس، میدل‌ایست‌آی، رویترز، فاینشئال‌تایمز و... با مطالب و گزارش‌های خود فضا را به‌شدت هنجایی می‌کنند، به گونه‌ای که احتمال هرگونه توافق از بین خواهد رفت؛ بنابراین باید در نظر گرفت بخشی از اخباری که این روزها منتشر می‌شود، با هدف اطمینان‌یافتن از این واقعیت است که هیچ روزنه‌ای برای ازسرگیری مذاکرات و توافق احتمالی بین ایران و آمریکا وجود نداشته باشد.

بهبانه‌سازی‌ها درباره جنگ اوکراین هم که مزید بر علت است. در عین حال فضا با بازیگری مخرب تانیاهاو و اسرائیل می‌تواند به سمت یک تنش ناخواسته پیش برود. پس توقف در برابر توقف در نقطه کنونی می‌تواند از تصاعد تنش و تصاعد بحران جلوگیری کند.

● **جناب محب‌علی این تحلیل را نمی‌توان تادیده گرفت که اصرار رسانه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بر وجود مذاکرات و در کنار آن انکار مقاصات آمریکایی، یک پروژه برای شرطی‌کردن ایران در اثر نوسانات خبری است تا وضعیت اقتصادی و معیشتی بفرخ‌تر و بحرانی‌تر از شرایط کنونی شود. آیا شما این تحلیل را نزدیک به واقعیت می‌دانید؟**

بله، این نکته می‌تواند درست باشد. شرطی‌کردن اقتصاد و بازی با فضای روانی بازار بر اثر این تأییدها و تکذیب‌های رسانه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و مقامات آمریکایی می‌تواند پروژه شرطی‌سازی اقتصاد و بازی با خبر باشد؛ اما این یک راهکار از طرف دولت آمریکا برای تقویت وزن جزانه‌ی‌نی است تا بتواند ایران را از جایگاه ضعیف‌تر وارد میز مذاکره کند تا توافق مدنظر واشنگتن را بپذیرد.

● **دراین‌میان وضعیت کلی منطقه خاورمیانه را چگونه ارزیابی می‌کنید؛ چون دو**

سناریوی کلی وجود دارد که یکی قائل به آن است که تحولات جدید در سایه احیای روابط تهران – ریاض، تلاش عربستان برای ترمیم مناسبات با سوریه و بازگرداندن دمشق به اتحادیه عرب، همراهی سعودی‌ها با روسیه در اوپک‌پلاس، خروج امارات متحده از ائتلاف دریایی مشترک با آمریکا و... عملاً باعث شده است که آمریکا قافیه را در حال در خاورمیانه و به‌ویژه در حاشیه خلیج فارس بیازد. در مقابل این سناریو نیز مطرح است که آمریکا از طریق چین و عربستان به دنبال کاهش هزینه خود در خاورمیانه و مدیریت هوشمندانه‌تر غرب آسیا است؟

من معتقدم تلفیقی از هر دو اکنون در حال شکل‌گیری است؛ چون در فضای رسانه‌ای و تحلیلی هر دو سناریو با قدری بزرگ‌نمایی همراه شده است. نه آمریکا آن‌گونه منفعل و ضعیف شده که قافیه را در خاورمیانه و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس بیازد و نه عربستان و چین هم به شکل مستقیم دستور کار خود را از آمریکا برای مدیریت تحولات خاورمیانه می‌گیرند.

● **پس چه سناریویی در جریان است؟**

من معتقدم آمریکا در تلاش است تحولات منطقه خاورمیانه و دیگر مناطق مانند آسیای جنوب شرقی را به نحوی هوشمندانه و کم‌هزینه مدیریت کند تا تکلیف جنگ اوکراین و روسیه روشن شود؛ چون آمریکایی‌ها و اروپا به‌هیچ‌وجه تمایل و توان آن را ندارند که در کنار جنگ اوکراین تنش دیگری را در خاورمیانه، چه در قالب تقابل با ایران، سوریه، یمن یا با چین یا کره شمالی در آسیای جنوب شرقی داشته باشند؛ ازاین‌رو غرب سعی دارد به شکل محتاطانه و دست به عصارتی در خاورمیانه و دیگر مناطق عمل کند. البته این نکات لزوماً به معنای آن نیست که آمریکایی‌ها از خاورمیانه خواهند رفت یا جایگاه آنها تضعیف شده است. به‌هیچ‌وجه نمی‌توان این گزاره را هم درست دانست.

نوسان بایدن بین توافق ۲۰۱۵ و دنیای بدون برجام

در مقابل آنچه قاسم محب‌علی عنوان کرد، امیرعلی ابوالفتح قائل به هیچ‌گونه تلاشی از سوی تهران و واشنگتن برای توافق موقت و تحقق سناریوی عدم تصاعد تنش نیست. دراین‌بین او اصرار مداوم رسانه‌ها بر وجود مذاکرات پشت پرده، چه درباره تعیین تکلیف زندانیان دوتابعیتی یا توافق موقت بر سر فعالیت‌های هسته‌ای و انکار آن از طرف تهران و واشنگتن را هم نوعی شیطنت با هدف ایجاد فضایی مهیم می‌داند؛ فضایی که به نظر این کارشناس مسائل آمریکا نشان از نوسان سیاست خارجی دولت بایدن دارد؛ ازاین‌رو امیرعلی ابوالفتح در گفت‌وگوی خود با



سوی او عمیقاً نگران شدم، فعلاً در بیمارستان بستری و زیر نظر پزشک است. حال عمومی او رو به بهبودی است و امیدوارم هرچه‌زودتر سلامتی کامل خود را یافته و فرد یا افراد خاطی هم مشخص شوند.

شهرستان گچساران از شهرستان‌های شش‌گانه گرمسیری استان کهگیلویه‌وبوییراحمد محسوب می‌شود که با یاسوج مرکز این استان حدود ۱۲۰ کیلومتر فاصله دارد.

رو به گسترش برود، متوقف کرد. او در این یادداشت از نهادهای

امنیتی و انتظامی گچساران خواسته است هرچه‌سریع‌تر وارد عمل شوند و مقصر را شناسایی و معرفی کنند. این فعال سیاسی از ملاقات خود با میلاد (اردشیر) محمدی فعال رسانه‌ای و مجازی اصلاح‌طلب که ۱۵ سالچه از این شلیک را در بدن دارد، هم خبر داده و نوشته است: در عیادت از آقای محمدی ضمن اینکه از حال او خبردار شدم؛ اما از تیراندازی به

و فرید یوسفی از دیگر فعالان مجازی و رسانه‌ای بوده‌اند که در کنار مصدومان این حادثه و در نشست دوستانه‌شان حضور داشته‌اند. نیروی انتظامی گچساران به مردم این شهرستان و این فعالان قول داده که این فرد یا افراد ناشناس به‌زودی شناسایی و بازداشت شوند.«علیرضا کفایی»، فعال سیاسی اصلاح‌طلب استان کهگیلویه‌وبوییراحمد، در یادداشتی با اظهار تأسف از این اتفاق نوشت: باید این فعل خطرناک را قبل از آنکه

نفر از این افراد یا نام‌های میلاد محمدی، ضعیم موسوی، عباس الهی و میثم سینا شده است. ضعیم موسوی و میلاد محمدی در بیمارستان شهید رجایی دوکندبان، عباس الهی در بیمارستان شرکت نفت بستری شده‌اند و میثم سینا به صورت سریایی در همان ساعات اولیه در بیمارستان شهید رجایی معالجه و مرخص شد؛ اما همچنان سالچه در شانه دارد. عباس عدی، مهرداد علی‌پور، ایمان قاسمی، مهدی رضانی

تعدادی از فعالان مجازی و اهالی رسانه اصلاح‌طلب در شهرستان گچساران استان کهگیلویه‌وبوییراحمد به دست فرد یا افراد نامعلومی با شلیک اسلحه ساچمه‌ای مصدوم شدند. به گزارش ایبلا، حوالی ساعت ۹:۱۰ شب پنجشنبه، ۱۱ نفر از فعالان مجازی و رسانه‌ای اصلاح‌طلب در شهرستان گچساران به دست فرد یا افراد نامعلومی مورد اصابت گلوله ساچمه‌ای قرار گرفتند. این شلیک ساچمه‌ای باعث مصدومیت چهار

شلیک با اسلحه ساچمه‌ای به «۱۱ فعال رسانه‌ای و مجازی»